نظریه : حسب سند سری به دست آمده ، افسر اطلاعاتی موساد در ژانویه 2008 با پوشش تاسیس یک شرکت بیمه ای با وی در سوئد ملاقات داشته ، این نقطه آغاز ارتباط میان وی و افسر موساد می باشد. این ملاقات های اولیه که جهت معارفه و به کار گیری مشارالیه برگزار می گردید ، به افسر اطلاعاتی اعلام می دارد مشکلات مالی و قصد زندگی و ادامه تحصیل در سوئد را دارد.

اظهارات کذب متهم در بازجوئی های اولیه :

متهم در بازجوئی های اولیه با ساختن داستان دروغی و تناقض گویی سعی در به انحراف کشیدن تحقیقات پرونده را داشته که از جمله موارد آن به این قرار قابل ذکر است. در بازجوئی 7/2/95 اعلام می دارد در سفر به سوئد در سال 2008 مورد ملاقات مشکوکی وجود نداشت و در بازجوئی 8/2/95 اعلام می دارد در مارس 2014 بنده با فردی به نام تونی آشنا شدم و ایشان علاقه مند به همکاری در پروژه های مشترک بود. در همان تاریخ بیان می دارد : من زمانی که تونی را در .....ملاقات کردم از من خواست رزومه خودم را به ایشان بدهم در ضمن توضیحی در مورد سوابق کاری خودم دادم که بر روی وزارت بهداشت و پروژه های مربوط به حوادث طبیعی بوده است .ایشان وقتی با برخی استدلال های ناشی از حوزه کارشناسی معاونت ضد جاسوسی مواجه می شود ، در بازجوئی 13/2/95 سعی در توجیه برای علت تناقض گویی را داشته و مدعی است فشار روانی و عدم تمرکز ناشی از حبس بوده و ضمن اقرار به اشتباه درخواست پوزش نموده است . علیرغم آن مجددا با دادستان یسرائی نامبرده در بازجوئی 18/2/95 اعلام میدارد : بنده به واسطه تونی با هیچ فردی آشنا نشدم اما در بازجوئی 19/2/95 اعلام میدارد که با افرادی همچون خوان و الکس به واسطه تونی برخورد داشته ام .

2- شروع ارتباط آگاهانه و همکاری با سرویس اطلاعاتی دشمن :

متهم اقرار می نماید : بعد از کارگاه آموزشی به ایران برگشتم و چند ماه بعد توماس تماس تلفنی با من داشت و در مورد موضوع کاری من را به دبی دعوت کرد که من رد کردم و گفتم برای شرکت در کارگاهی عازم اردن خواهم بود. در ضمن اعتراض به توماس داشتم که چرا با من تماس میگیری . من به علت برخورد وزارت اطلاعات با دونفر از همکارانم ناخودآگاه دچار هراس بودم . توماس در تابستان با من تماس داشت که گفتم جهت شرکت در کارگاه به استکهلم می روم. با کمک دوستان ایرانی و تعدادی از اساتید بعد از بازگشت به ایران پذیرش تحصیلی را ارسال کردند که توانستم ویزای برای خود و خانواده ام دریافت کنم. توماس در زمستان تماس داشت که گفتم موفق شدم پذیرش تحصیلی را دریافت نمایم و از بهار 2009 شروع خواهم کرد. من از اواسط بهار 2009 به سوئد استکهلم رفتم. توماس چند هفته بعد تماس داشت و از احتمال کار پاره وقت در شرکتشان صحبت کرد ....مدتی بعد توماس تماس گرفت که به همراه دو نفر از کارشناسان به استکهلم آمد. افرادفوق شامل آدام و مکس بودند. آدام فردی بی ادب که از ابتدای مصاحبه سعی در کنکاش در پژوهشکده سوانح و ارتباط احتمالی آن با مرکز نظامی وضعیت اتاق بحران کشور داشت که من ابراز نارضایتی کردم ولی مکس فردی مودب که بیشتر سوالات فنی می پرسید . بعد از مصاحبه من به توماس گفتم که فکر کنم آدام افسر سرویس اطلاعاتی باشد. مدتی بعد توماس اعلام کرد که نتیجه مصاحبه منفی بوده است . این جواب باعث شد تا سوء ظن نسبت به توماس و همکارانش برطرف شود. بعد از چند ماه در اواخر نوامبر 2009 مجددا توماس تلفن زد ضمن اظهار خوشحالی از اینکه خانواده ام همراه من به سوئد آمده اند گفت بهتر است شانس خود را برای کار پاره وقت در پروژه شرکتشان امتحان کنم و مصاحبه ای با میگل داشته باشم. پس از مصاحبه و بیان سوابق خودم ، میگل اعلام داشت شما فرد مناسبی برای همکاری در پروژه شرکت ما هستید.

متهم در بازجوئی 1/3/95 اقرار دارد که من از فروردین 1388( 2009) برای شروع تحصیل به استکهلم رفتم و بعد آز آن ، توماس در قالب مصاحبه های شغلی و سپس با آشکار نمودن ماهیت خود و اعمال تهدید و ارعاب و نیز وعده های تو خالی مرا مجبور نمود تا ملاقات هایی با ایشان و عوامل بعدی داشته باشم . متهم اقرار دارد که تنها حمایتی که از طرف توماس طی دو سال انجام شد عبارت بودند از معرفی به گروه بهداشت و بلایا در دانشگاه کپنهاگ و مصاحبه شغلی با آدام و میگل بود که بعدا مشخص شد نه تنها حمایت نبوده بلکه تله گذاری بوده است . اساسی ترین توجیه برای رابطه دوستانه که از طرف توماس ادامه داشت برنامه ریزی برای اطلاعات از وضعیت تحصیلی من و سپس به دام انداختن من در فرصتی باشد که هیچ راه فراری برای من نباشد . توماس در آن مدت از فعالیت من برای پذیرش تحصیل ، زمان شروع به تحصیل ، زمان مسافرت و حضور خانواده ام در سوئد و استقرار کامل ما در آنجا مطلع شد و زمانی که کاملا در دام آنها بودم ماهیت خود را آشکار کرد.

نظریه : نکته حائز اهمیت در این تماس رد و بدل شده این است که جلالی در این تماس به توماس اشاره می نماید که نباید با وی تماس تلفنی برقرار شود و این تماس می تواند امنیت وی در ایران را به خطر مواجه نماید که این ناشی از فهم و آگاهی متهم از ماهیت کاری و نیت توماس از ارتباط با وی باشد. پس از این ملاقات ها مشارالیه به ایران باز می گردد و اقدامات لازم برای نقل مکان و مهاجرت به سوئد را انجام می دهد که این موضوع علیرغم اقاریر نامبرده بر منفی بودن نتیجه مصاحبه در مرحله اول ناشی از اعتماد وی به سرویس و قول های مساعدی است که آنها برای اخذ اقامت به وی در آن مقطع داده بودند .

3- ادامه ارتباط :

نامبرده اقرار دارد در زمستان 2010 ( دی ماه 1388) توماس با من تماس گرفت و قرار شد مجددا در استکهلم قراری با هم داشته باشیم ، در این ملاقات میگل شروع به صحبت از کلیه پروژه هایی که قرار است انجام دهد و نهایتا بحث را به سمت فعالیت های من در داخل کشور برد و به این نکته اشاره نمود که از فعالیت های من و رابطه من با انستیتیو نوین و سازمان انرژی اتمی و مجموعه سپند

خبر داد که البته من در این ملاقات این مباحث را انکار کردم . من فردا مجددا توماس را ملاقات کردم بدون پرده به این نکته اشاره نمود که از سوابق همکاری من با انستیتیو نوین با خبر می باشد و حتی می داند نوین با مراکز نظامی هم ارتباط دارد . زمانی که بنده اعتراض کردم توماس شروع به تهدید کرد و از عواقب احتمالی صحبت کرد که الان تو و دخترت و همسرت در سوئد هستید و ماهم متعلق به سازمان امنیتی اتحادیه اروپا و هم اطلاعات افرادی را که وارد اروپا می شوند را داریم تو ممکن است به خاطر سوابقت دستگیر شوی حتی ممکن است همسرت نیز دستگیر شود و حتی ممکن است به آمریکا تحویل داده شوی و تهدیدات مشابه که بیشتر غیر مستقیم مطرح می کرد و از طرفی با چرب زبانی و حالتی مهربان می گفت من دوست تو هستم نمی خواهم زندگیت نابود شود فقط میگل چند سوال از انستیتیو نوین دارد که میخواهد بپرسد . لازم به ذکر است توماس کپی صفحاتی از یک ژورنال را هم داشت که به همراه چند برگ دیگر در مورد گزارش کارگاه آموزشی پرتویی در تهران بود که حاوی عکس دکتر اخلاق پور با اساتید خارجی و اسامی مرتبط از جمله اسم دکتر فروغی زاده و اسم من هم بود و نشان می داد من نقش فعالی را در ارتباط با انستیتیو داشته ام. تهدیدات توماس و نگرانی شدید از سرنوشت دخترم باعث شد که من مجبور به ملاقات مجدد با میگل شوم . میگل سوالاتی در مورد ساختار ، مدیریت توانمدی ها و تجهیزات و پرسنل انستیتیو داشت که پاسخ دادم و همچنین سوالاتی در مورد ارتباط نظامی و مشارکت در پروژه های نظامی داشت که اظهار کردم در جریان نیستم و هیچ اطلاعی و ارتباطی ندارم.

نظریه : اقاریر متهم در این خصوص با تناقضاتی همراه است که به خاطر ترس از عواقب کار و ارتباط با سرویس موساد می باشد وی به این نکته اشاره می نماید که وصل شدنش به سرویس به خاطر تهدیدات و به صورت ناخواسته بوده و این در حالی است که در سفر هایی که بین ملاقات ها با افراد دشمن به ایران داشته است چندین بار در محل حفاظت وزارت دفاع مورد مصاحبه قرار گرفته و هیچ صحبتی از این مشکلات و تهدیدات و مراجعات به وی به میان نیامده است . حسب سند موجود نامبرده به علت نیاز مالی و فراهم شدن مقدمات اقامت در سوئد توسط آنها کاملا خود را در اختیار سرویس دشمن قرار داده و بحث تهدید فرزند بهانه ای برای فرار از مجازات می باشد.

4- تدوام ارتباط :

نامبرده اقرار دارد توماس در اتمام جلسه با من صحبت کرد و گفت همان گونه که دیدی موضوع ساده و کوچکی بود. در این رابطه با هیچ کس صحبتی نکن چون ممکن است در ایران برای خودت و خانواده ات ایجاد مشکل کنی ( بیشتر منظورش مستند سازی جلسه بود که من حس کردم می تواند صوت و تصویر جلسه را برای سیستم امنیتی ایران ارسال نماید) در ضمن اعلام داشت چند هفته بعد تماس خواهد گرفت . چون لازم است توصیه های امنیتی و مواردی را به من متذکر شود . مدتی بعد توماس تماس گرفت و گفت برای توصیه های امنیتی لازم است مرا ببیند گفت توماس چند سوال تکمیلی در مورد انستیتیو دارد که لازم است مرا ببیند که با عصبانیت من مواجه شد که مجددا به تهدیدات قبلی رو آورد . سوالات مربوط به همکاری نظامی نوین است و زمانی که من تاکید کردم که اطلاعی از موارد فوق ندارم توماس اسم دکتر فروغی زاده را برد که تو چند سال با ایشان در پروژه ای تحت عنوان آماد کار کرده ای که انستیتیو نوین بخشی از این پروژه بوده است . متاسفانه تحت فشار روانی و نگرانی از زندگی ام ، تسلیم درخواست آنان شدم. سوالات میگل : ساختار طرح آماد ، مدیران طرح آماد ، سایت و دفاتر طرح آماد ، تست های انفجاری ، استفاده از مواد رادیو اکتیو ، عکس و نقشه، آرشیو اطلاعات آماد ، محل نگهداری تجهیزات و ضایعات آماد ، شرکتها و نحوه تهیه مواد تجهیزات ، مجموعه آمادگی دفاعی سپند .

متهم اقرار دارد البته این سوالات در فاصله زمانی 3-4 هفته ای و در 3-4 جلسه ای انجام شد. بعد از آن من به همراه خانواده ام به ایرام آمدیم و حدود 2 ماه بودیم. در جلسه آخر توماس اظهار داشت که مصاحبه های ما با شما تمام شده است ولی برای حفظ امنیت خودت و خانواده ات تاکید می کنم موضوع را فراموش کنی. چیزی به کسی نگویی چون الان در این مرحله کار به اتمام رسیده و مستند سازی شده است در ضمن ما سر قولمان هستیم و نه تنها برای کار و تحصیلت مشکلی ایجاد نخواهد شد در ضمن در یک روند معقول شهروندی را دریافت خواهی کرد . لازم به ذکر است در جلسه دوم یا سوم مصاحبه در مورد طرح آماد فردی به نام فیلیپ آمد که توماس اظهار داشت رئیس ما است. فیلیپ 15-20 دقیقه با من صحبت کرد و گفت ما برای همکاری با شما می توانیم پول پرداخت کنیم .

نظریه : عمق خیانت متهم در ارائه اطلاعات به سرویس موساد همگی از اهمیت به کلی سری و غیر قابل جبران برای نظام ایران برخوردار بودند.

تداوم ارتباطات

علی ایحال متهم در خصوص مجموع جلسات برگزار شده با عوامل سرویس موساد تا زمان دستگیری اقرار نموده است ، جلسه با توماس و میگل در استکهلم اواخر تابستان 2010 ( شهریور ماه 1389) . جلسه با توماس و میگل در کپنهاگ دانمارک در زمستان 2011 ( دی ماه 1389) .

جلسه با توماس و میگل و مکس در استکهلم اواخر تابستان 2011 که مکس جایگزین توماس شد ( شهریورماه 1390) . جلسه با میگل و مکس در استکهلم اواخر پاییز 2011 که مکس فشار آورد اقدامات را فعال کنم ( آذر 1390) در بازجوئی های بعدی به تفیس منظور از اقدامات فعال ( خرابکارانه) تشریح شده است. جلسه با مکس و میگل در استکهلم اواخر بهار 2012 که مکس خواستار اقدام فعال شد . ( فروردین 1391) . جلسه با مکس و خوان در استکهلم اواخر تابستان 2012 که خوان جایگزین میگل شده بود. ( شهریور 1391) . جلسه با مکس و خوان و پاول در استکهلم اواخر پاییز 2012 که پاول به عنوان کارشناس آی تی موضوع استفاده از فلش مموری را مطرح کرد. ( آذر 1391)

جلسه با مکس و خوان در میلان ایتالیا در بهار 2013 ( آذر 1391) . جلسه با مکس و خوان و اندرو در رم ایتالیا در اواخر تابستان 2013 که اندرو جایگزین مکس شد ( شهریور 1392) . جلسه با اندرو و خوان در میلان ایتالیا در اواخر پاییز 2013 ( اذر 1392) . جلسه با اندرو و خوان در رم ایتالیا در اواخر زمستان 2014 ( اسفند 1392). جلسه با اندرو و لورا در بوداپست مجارستان در اواخر تابستان 2014 که لورا به عنوان کارمند وزارت داخله کشور انگلیس آمده بود و با نشان دادن مدرکی مدعی بود که پیگیری موضوع اعطای شهروندی توسط انگلیس به ما است .( شهریور 1393) جلسه با اندرو و خوان و الکس در میلان ایتالیا در زمستان 2015 که الکس سوالاتی در مورد نحوه و مدارک مرتبط به آلودگی در دوران طرح آماد داشت که محل نگهداری مدارک کجاست.( دی ماه 1393) جلسه با اندرو و تونی در رم ایتالیا در اوایل تابستان 2015 که تونی به عنوان رئیس تیم جایگزین اندرو شد و قرا شد موضوع قطع همکاری من با سازمان را به یک تصمیم قطعی برساند.( شهریور 1394) جلسه با تونی و خوان در میلان ایتالیا در پاییز 2015( آذر 1394) جلسه با تونی و خوان در استکهلم سوئد در اواخر زمستان 2016 ( اسفند 1394) .

متهم اقرار نموده در مجموع از زمان آشکار شدن ماهیت توماس که مدعی بود از سازمان امنیتی اروپا هستند و مرا مجبور به صحبت با میگل نمود ( زمستان 2010) تا آخرین سفر و ملاقات انجام شد ، در اواخر زمستان 2016 طی 6 سال 21-22 جلسه و ملاقات بین من و عوامل سرویس امنیتی اروپا انجام شد که البته از میان این 21-22 جلسه ، 3-4 مورد آن در قالب موضوعات طرح آماد بود که به صورت فشرده در فواصل چند هفته ای بوده و مابقی بعد از هر سفر به ایران بوده که در فواصل چند ماهه و حتی 6 ماهه انجام شده اند.

نظریه : در خصوص فلش و با توجه به اقاریر ایشان که ناراحت از همکاری بوده توضیحاتی ارائه می شود . متهم اگرچه مدعی است که به طور آگاهانه اقدام به آلوده یازی سیستم ها ننموده است ولیکن با توجه به قرائن موجود و ادعای برادران وزرات دفاع در همان مقطع مورد بحث متهم ، حملات ویروسی به این سیستم های این مرکز انجام گرفته است . همچنین بنا به اقاریر متهم فلش هایی را که در امتیاز داشته به سیستمهای بسیاری از افراد انستیتیو با پوشش انتقال دیتا وصل نموده است .

ج )نحوه ارتباطات فوری با سرویس دشمن :

متهم اقرار دارد تماس های اصلی از طریق موبایل دوم انجام خواهد شد که باید حداقل یک کیلومتر از محل زندگی و یا کار فاصله بگیری و روشن کنی و بعد از صحبتها در همان مکان خاموش کنی و برگردی که این مدت موبایل شخصی خودت باید در محل زندگی و یا کار به صورت روشن باقی مانده باشد. موبایل دوم دارای سیم کارت از کشوری دیگر باشد. در صورت اضطرار با شماره پیغام گیر تماس گرفته شود .

د) نوع سرویس اطلاعاتی :

با توجه به نظریه کارشناس معاونت ضد جاسوسی وزارت اطلاعات و سند به کلی سری کسب شده از طرق اطلاعاتی ، سرویس اطلاعاتی مورد نظر موساد می باشد. ارائه اطلاعات کامل ( شخصی و عمومی) و مستمر در خصوص بیش از 30 نفر از افراد شاخص پروژه های تحقیقاتی-نظامی-دفاعی و هسته ای از جمله شهیدان علیمحمدی و شهریاری و....

متهم اقرار دارد که کسب اطلاعات شخصیتی و عمومی در مورد افراد مرتبط با من از مواردی بود که مورد سوال و درخواست عوامل امنیتی بود که به طور خاص در مورد آقایان دکتر فروغی زاده و... بود که من قبلا در سوالات مربوط به افراد توضیح داده ام . همچنین در مورد آقایان مهندس فخری زاده ، دکتر ستاره ، زارع و ناصری و شاید اسامی دیگر هم سوال می شد که من اطلاعاتی در مورد زندگی شخصی و شخصیت آنها نداشتم. به هر حال اططلاع از زندگی ، علاقه مندی ، نقاط ضعف و قدرت ، شخصیتو وضعیت مالی و سایر موارد شخصی افراد از نیازمندی های اطلاعاتی عوامل سرویس خارجی می باشد. متهم اقرار ضمنی دارد که من همواره در عذاب وجدان و ناراحتی بودم که مبادا اتفاقی برای این افراد بیفتد که البته بعد از ترورها مشاهده کرده بودیم که سطح حفاظتی افراد بسیار بالا رفته است و از طرفی هم فکر می کردم که شاید ارتباط این افراد با من به نوعی باعث امنیت آنان شود. به هر حال من تاکید میکنم که شهادت این عزیزان باعث عذاب وجدان بیشتر من بوده و بارها از خداوند متعال درخواست مرگ نموده ام که با افرادی همکاری نموده ام که ممکن بود باعث تهدید جانی افراد ایرانی هم می شوند . متهم اقرار دارد که افسران موساد در خصوص افراد مختلف سوالاتی همچون تخصص کاری و رشته تحصیلی ، موضوع فعالیت وکار، ارتباط شخصی من با فرد ، نوع شخصیت فرد از دیدگاه من ، شناخت خانوادگی من از فرد، اطلاعاتی مانند علایق،وابستگی شدید به چیزی ، وجود مشکل ، قابل اعتماد بودن فرد ، محل زندگی ، ایمیل و شماره تلفن و امکان سفر خارجی را می پرسیدند. متهم اقرار دارد که افرادی مانند آقای فخری زاده و.... و سایر متخصصان افرادی بودند که در موردشان سوال شد و احتمالا مد نظر اقدامات فیزیکی ( ترور) یا ارتباطی این عوامل هستند.

ب) اطلاعات مربوط به پروژه های به کلی سری نظام در حوزه تحقیقات نظامی-دفاعی و هسته ای :

ساختار طرح آماد و خدمات پزشکی صورت گرفته

پروژه 3 ( آزمایش های انفجاری و محل آنها )

پروژه 4 ( غنی سازی اورانیوم )

پروژه 5 ( کیک زرد و گداخت فلز اورانیوم )

پروژه 8( لجستیک و پشتیبانی هسته ای )

پروژه 14 ( حفاظت هسته ای )

پروژه 19 ( پدافند هسته ای )

،اطلاعاتی و اینترنتی ، نحوه کنترل های امنیتی ، محل بایگانی و دبیرخانه مرتبط با مراکز نظامی ، دفاعی و هسته ای . سپند و مراکز مرتبط شامل گروه فخار مقدم ، گروه شهید لشکری ، صنایع شهید میثمی ، صنایع شهید چمران و صنایع شهید باکری و آزمایشگاه های مرتبط و درخواست جها استقرار در گروه فخار مقدم .

ساختمان نور – فراوری اورانیوم – انستیتیو نوین و پروژه های مرتبط و مصدومان احتمالی – سایت مژده و و جود تجهیزات مواد مشکوک به آن

ه) اطلاعات مرتبط با فعالیت های سایت های گلچین ، پارچین –شیان، تهران،سنجر بودن و.... مشتمل بر آدرس دقیق این سایت ها و پروژه های مرتبط ( گروه های 7و8و4) ، کاربرد ، آرشیو اطلاعات ، سازمان مسئول ، وضعیت کنونی سایت ، محل نگهداری ضایعات حاصل از تخریب برخی از این سایت ها و شرکت ها و نحوه تهیه مواد و تجهیزات ، حضور متخصصان خارجی در طرح ها .

د) اطلاع از نتیج بررسی های آزمایشگاهی آلودگی داخلی و دوزیمتری و اطلاع از وجود و حضور مصدومان پرتوئی در انستیتیو نوین

متهم اقرا نموده که تنها موردی که به صورت مشخص در مورد ایجاد امکان با وی سوال شد آقای فروغی زاده بودند البته از من خواسته نشد که کمک یا ایجاد ارتباط نمایم بلکه از من خواسته شد اطلاعاتی در مورد شخصیت ایشان دارم را بیان کنم و ارزیابی خودم در مورد امکان و نحوه ایجاد کاری با وی را بیان کنم که من در پاسخ گفتم که شخصیت دکتر فروغی زاده را کاملا می شناسم و صد در صد مطمئن هستم که هیچ امکان موفقیتی ندارید و ایشان فردی بسیار مورد اعتماد، رازدار و بدون نقطه ضعف است . همچنین متهم اقرا می نماید : تمایل به ایجاد رابطه و همکاری با کارکنان مجموعه سپند از مواردی بود که هرچند به خاطر مسائل امنیتی با من مطرح نکردند ولی از سوالات و تکرار کسب اطلاعات مشخص بود که کاملا در ذهن و اقدامات خود به چنین موردی تمایل دارند. این عوامل فقط در مورد دکتر فروغی زاده شفاف سوال کردند که ارزیابی من از امکان برقراری ارتباط و همکاری با دکتر فروغی زاده چیست؟ که من علنا توضیح دادم که من ایشان را از سال 2011 می شناسم و چنان شخصیت قوی ، رازدار و قابل اعتماد و مستحکمی دارند که چنین اقدامی از طرف شما به هیچ نحوی نتیجه نخواهد داد و بی فایده است .به نظر من آقایان نصیریان ،احدی و خرم باقری در معرض خطر رصد اطلاعاتی و اقدام برای ایجاد ارتباط بوده باشند. ارائه اطلاعات درباره آخرین وضعیت و موقعیت شخصی و اداری دانشمندان هسته ای ترور شده : متهم در پاسخ به این سوال که آیا بعد از صحبتهایی که فیمابین شما و این افراد در خصوص دکتر علیمحمدی و شهریاری قبل از ترور این افراد صورت گرفت برای شما باعث بوجود آمدن شک یا سوء ظن نگردید ؟ اظهار می دارد که در مورد این افراد طی عملیات مرتبط با طرح آماد صحبت ویژه ای با من نشده بود و مثل سایر افراد در قالب سوالات مطرح می شد . من دقیقا یادم نیست در چه زمانی ولی یک بار در این مورد سوال و صحبت کردم اظهار داشتند که ما خودمان خیلی ناراحت هستیم و این مورد به هیچ وجه با ما مرتبط نیست و سازمان ما اصلا برنامه هایی نظیر ترور افراد را محکوم می کند و قبول ندارد . لازم به ذکر است شهید دکتر علیمحمدی در مورخ 22/10/88 و شهید دکتر شهریاری در مورخ 8/9/89 به درجه رفیع شهادت نایل گردیدند.

متهم اقرار دارد که من با شرمندگی باید اظهار کنم که هم در هنگام ورود و هم در خروج تعهد کرده بودم که اطلاعات حوزه کاری را افشائ نکنم ولی دلایلی باعث گرفتاری من در دام و باتلاقی شد که نتوانستم به تعهد خود عمل کنم. متهم اقرار دارد تشویق و درخواست برای انجام اقدامات فعال از مواردی بود که به صورت تلویحی توسط توماس ولی به صورت واضح و صریح توسط مکس مطرح شد که با مخالفت کامل من همراه بود و من اعلام کرده بودم در هیچ شرایطی و به هیچ قیمتی حاضر به انجام اقدام فعالی جهت کسب اطلاعات یا مورد دیگر نیستم . در مقطعی برای توجیه من و ایجاد اطمینان خاطر از بی خطر بودن این اقدامات فردی به نام پاول حضور یافته و در استفاده از فلش مموری برای اتصال به شبکه داخلی نموده و کسب اطلاعات توضیح داده که فلش باید به کامپیوتر شبکه متصل شود و حدود یک ساعت فعال باشد تا اطلاعات را جمع آوری و داخل فیلمهای موجود در فلش ذخیره کند من کاملا مخالفت کردم که گفتم آدم ترسویی هستم و هیچ وقت نه تنها این فلش بلکه هیچ اقدام فعالی را قبول نخواهم کرد.

نظریه : متهم اگرچه مدعی است که به طور آگاهانه اقدام به آلوده سازی سیستمها ننموده است ولیکن با توجه به قرائن موجود و ادعای برادران وزارت دفاع در همان مقطع مورد بحث متهم ، حمله ویروسی به سیستمهای این مرکز انجام گرفته است. همچنین بنا به اقاریر متهم فلش هایی را که در اختیار داشته و به سیستمهای بسیاری از افراد انستیتیو با پشش انتقال دیتا وصل نموده است .

و) سطح طبقه بندی اسناد و میزان خسارت وارده :

در مورخ 7/6/95 رئیس محترم حفاظت اطلاعات سپند متعلق به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح طی نامه ای به شماره 2197958201212 ا ریاست محترم سپند سوالات ذیل را استعلام می نماید :

1- میزان دسترسی عملی آقای جلالی به اطلاعات دارای طبقه بندی و سطح و میزان اطلاعات در اختیار ایشان

2- میزان طبقه بندی و ضررو زیان ناشی از اطلاعات افشاء شده توسط آقای جلالی

3- میزان خسارت مادی و معنوی وارده

ریاست محترم سپند در مورخ 13/6/95 طی نامه شماره 338/95/س/11/4210 در پاسخ استعلام اعلام میدارد :

1- در خصوص بند اول سوال : میزان دسترسی عملی نامبرده به کلی سری تعیین می شود .

2- در خصوص بند دوم سوال : میزان طبقه بندی نیز به کلی سری می باشد.

3- در خصوص بند سوم سوال : شناسایی افراد موثر در پروژه هایی با طبقه بندی بالا توسط سرویس و بی اثر یا کم اثر کردن افراد موثر و وارد نمودن خسارات از این ناحیه به سپند و ارائه سرنخ به سرویس های دشمن جهت ردیابی آگاهانه تر از فعالیت های گذشته و حال .

ز) انگیزه و و جوه و امتیازات دریافتی از سرویس جاسوسی موساد :

حسب سند موجود ، نامبرده به علت نیاز مالی و فراهم شدن مقدمات اقامت در سوئد توسط آنها کاملا خود را در اختیار سرویس دشمن قرار داده و بحث تهدید فرزند بهانه ای برای فرار از مجازات می باشد. متهم در خصوص وجوه دریافتی از سرویس موساد صداقت لازم را نداشته است . در بازجویی مورخ 25/2/95 اقرار دادر که 14 تا 18 هزار یورو دریافت نموده است . در بازجویی مورخ 1/3/95 جمه مبلغ دریافتی را بیست هزار یورو اعلام می دارد. در بازجویی مورخ 21/4/95 مبلغ دریافتی را بیست و هشت هزار یورو اعلام مینماید و یا در بازجویی مورخ 2/4/95 جمع مبالغ دریافتی و هزینه ها را 30450 یورو که تطبیق آن با وضعیت مالی و املاک و مستقلات وی و همچنین پرونده های مشابه و حتی پایین تر از این سطح که به مراتب رقمهای بسیار سنگینی را پرداخت نموده اند ، حکایت از عدم صداقت وی دارد. همچنین وی به این نکته نیز اشاره می نماید که حق شهروندی که برای وی در نظر گرفته شده بود حدود 200 تا 300 هزار یورو ارزش داشته است و متهم مدعی است حق شهروندی که در حال حاضر از کشور سوئد در یافت نموده است هیچ ارتباطی به این قضیه ندارد . در زمان دستگیری متهم 9800 یورو همراه داشته است که اقرار می نماید که چهار هزار یورو یا 4500 یورو متعلق به تونی و اندرو بوده که همراه من بوده است . باتوجه به امکان نامبرده در سوئد امکان بررسی وضعیت ملکی و بانکی متهم در اروپا میسر نمی باشد.

نظریه : نظر کارشناسی وزارت اطلاعات در این است که با توجه به حجم گسترده اطلاعات ارائه شده به سرویس موساد و جلسات فراوان برگزار شده نامبرده بالغ بر 250000 هزار یورو و بعلاوه حق شهروندی در سوئد که به گفته خود آنان بین 200 تا 300 هزار یورو ارزش دارد دریافت نموده است.

ح ) ارائه نکات حفاظتی توسط سرویس موساد :

متهم اقرار دارد که آنها تاکید کرده بودند که کلماتی مثل ایران ، هسته ای ، سازمان و سایر کلمات اختصاصی مثل احمدی نژاد ، فروغی زاده ، سپند و ... را در مکالمات تلفنی فیمابین استفاده نکنیم و از کلمات جایگزین استفاده شود . متهم اقرار دارد ابتدا باید اظهار کنم که هیچگاه آموزش خاصی به من داده شند و حتی پیشنهاد